

سیاسی

متن کامل گزارش رویترز: «تغییر رژیم؟ نگاهی به تلاش متزلزل رضا پهلوی برای رهبری ایران»

رادیو فردا

کمتر از یک دقیقه پیش



رضا پهلوی در دهمین سالگرد انقلاب سال ۱۳۵۷

خلاصه

- پسر شاه پیشین ایران می‌گوید جمهوری اسلامی در آخرین مراحل حیات خود قرار دارد و قصد دارد گذار به آینده‌ای دموکراتیک در ایران را رهبری کند.
- رضا پهلوی با نارضایتی برخی حامیان مالی، بی‌اعتنایی دولت آمریکا و اقدامات خشونت‌آمیز شماری از هوادارانش دست به گریبان است.
- رضا پهلوی: «من مقصد نیستم؛ پلی هستم برای رسیدن به مقصد».

همزمان با آغاز جنگ مشترک آمریکا و اسرائیل با ایران، به نظر می‌رسید لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای رضا پهلوی، فرزند محمدرضا شاه، آخرین پادشاه ایران که در انقلاب ۱۳۵۷ از قدرت برکنار شد، فرا رسیده است.

رضا پهلوی با وجود آن‌که نزدیک به نیم قرن است به ایران بازنگشته، در آمریکا و اروپا کارزار سیاسی خود را به‌طور فعال دنبال کرده، درباره آینده‌ای روشن برای ایران سخنرانی کرده، برای فعالیت‌هایش کمک مالی جمع‌آوری کرده و با مقام‌های منتخب دیدار داشته است.

او اندکی پس از آغاز جنگ در ۹ اسفند ۱۴۰۴، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مردم ایران از من خواسته‌اند پس از پایان کار این حکومت، رهبری دوره گذار را بر عهده بگیرم. و من این مسئولیت را پذیرفته‌ام.»

رضا پهلوی در اسفند ۱۴۰۴، در کنفرانس اقدام سیاسی محافظه‌کاران (CPAC) در ایالت تگزاس، یکی از گرم‌ترین استقبال‌ها را تجربه کرد. هنگامی که روی صحنه رفت، حامیان سرسخت دونالد ترامپ و گروه بزرگی از ایرانی‌آمریکایی‌ها، که بسیاری از آنان پرچم شیروخورشید را بر دوش داشتند، با تشویق ایستاده‌ای که ۴۵ ثانیه ادامه یافت از او استقبال کردند.

چهار روز بعد، دونالد ترامپ با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از ایرانیان مهاجر را شوکه کرد. او نوشت: «داریم ایران را به‌کلی نابود می‌کنیم؛ یا همان‌طور که می‌گویند، به عصر حجر برمی‌گردانیم!!!»

به‌گفته یکی از حامیان مالی ایرانی-آمریکایی رضا پهلوی، که می‌گوید اهداکنندگان به‌تازگی بیش از سه میلیون دلار به کارزار او کمک کرده بودند تا بتواند رهبری یک دولت انتقالی جدید در ایران را بر عهده بگیرد، بسیاری از این حامیان از این‌که شاهزاده تبعیدی به‌سرعت اظهارات ترامپ را محکوم نکرد، شگفت‌زده شدند.

اکنون به نظر می‌رسد حضور پیروزمندانه رضا پهلوی در نشست CPAC نقطه اوج جایگاه او به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین چهره‌ای بوده که در صورت سقوط حکومت جمهوری اسلامی، خود را برای ایفای نقش رهبری مطرح کرده بود. هرچند او همچنان به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه می‌دهد، تلاشش برای رسیدن به این جایگاه با کندی و رکود روبه‌رو شده است.

دونالد ترامپ در اواخر اسفند ۱۴۰۴ به خبرگزاری رویترز گفت: «به نظر می‌رسد آدم بسیار خوبی باشد، اما نمی‌دانم در داخل کشور خودش چه جایگاهی خواهد داشت.»

بیشتر در این باره:

جی‌دی ونس: هدف اقدامات ترامپ به قدرت رساندن رضا پهلوی نبود



به گفته دو منبع آگاه، دولت ترامپ در پشت صحنه نیز رضا پهلوی را کنار گذاشت. هنگامی که احمد باطبی، فعال حقوق بشر ایرانی-آمریکایی، خود را برای سخنرانی در نشست شورای امنیت سازمان ملل درباره سرکوب خونین اعتراضات ایران در دی‌ماه سال گذشته آماده می‌کرد، مایک والتز، سفیر آمریکا در سازمان ملل، شخصاً از او خواست نامی از رضا پهلوی نبرد. باطبی که از حامیان رضا پهلوی است، این درخواست را پذیرفت.

مایک والتز در بیانیه‌ای به رویترز گفت که به احمد باطبی پیشنهاد کرده بود تمرکز خود را بر تجربه شخصی‌اش از شکنجه در زندان‌های ایران و «سُبعیت حکومت» بگذارد، زیرا این رویکرد «بیشترین تأثیر را خواهد داشت» و بهتر است به جای پرداختن به «سیاست‌های اپوزیسیون» بر این موضوع متمرکز شود.

در خرداد ۱۴۰۵ نیز توافق آتش‌بس شکننده‌ای که میان آمریکا و ایران امضا شد، هیچ اشاره‌ای به تغییر حکومت در ایران نداشت. در مقابل، آمریکا متعهد شد به حاکمیت ایران احترام بگذارد، در امور داخلی کشور مداخله نکند و بار دیگر به‌طور علنی از حمایت از رضا پهلوی فاصله گرفت.

جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، پس از اعلام تفاهم‌نامه آمریکا و ایران در ۲۴ خرداد ۱۴۰۵، در گفت‌وگو با مِگن کلی، مجری پادکست، گفت: «رئیس‌جمهور ایالات متحده هرگز نگفته بود که هدفش این است که رضا پهلوی را به‌عنوان رهبر جدید ایران بر سر کار بیاورد.»

رضا پهلوی و نزدیک‌ترین مشاورانش پس از آن، این توافق را در شبکه‌های اجتماعی به‌شدت مورد انتقاد قرار دادند.



احمد رضا باطبی در نشست شورای امنیتی خطاب به نماینده جمهوری اسلامی گفت دوران شماها تمام می‌شود و محاکمه خواهید شد

در همین حال، شماری از حامیان مالی رضا پهلوی که در یک گروه خصوصی واتساپ با یکدیگر در ارتباط هستند، تنها از واکنش کم‌رنگ او به تهدیدهای تند ترامپ در دوران جنگ ناامید نشده‌اند.

به‌گفته سه فرد آگاه، آنان در تماس‌های خصوصی به رضا پهلوی توصیه کردند برای ایجاد وحدت میان نیروهای مخالف حکومت تلاش بیشتری انجام دهد و همچنین اقدامات خشونت‌آمیز و آزار و اذیت برخی از هواداران تندروی خود علیه دیگر مخالفان جمهوری اسلامی را به‌صراحت محکوم کند.

این افراد می‌گویند رضا پهلوی به این توصیه‌ها گوش داد، اما در نهایت آن‌ها را نادیده گرفت. هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد او در این حوادث [خشونت‌آمیز] نقشی داشته است.

ناکامی تلاش رضا پهلوی برای رسیدن به جایگاه رهبری، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را نیز آشکار می‌کند: نبود جایگزینی روشن برای جمهوری اسلامی.

اندکی پس از آغاز بمباران‌ها در اسفند ۱۴۰۴، دونالد ترامپ از مردم ایران خواست علیه حکومت خود برخیزند و اداره کشور را در دست بگیرند. اما با وجود حمله هوایی‌ای که به کشته شدن علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، انجامید، حکومت از این حملات جان سالم به در برد و به باور بسیاری از ناظران مسائل ایران، حتی توانسته است کنترل خود بر قدرت را نیز مستحکم‌تر کند.

«من پلی برای رسیدن به مقصد هستم»

رضا پهلوی در دو گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز در ماه جاری، از جمله یک مصاحبه مفصل و حضوری در پاریس تأکید کرد که حکومت کنونی ایران «بسیار به فروپاشی نزدیک» است.

او گفت: «این کارزار ۴۶ سال پیش، به‌عنوان مأموریت زندگی من برای آزادسازی ایران آغاز شد. اما هیچ‌گاه درباره شخص من نبوده است. این مبارزه همیشه درباره مردم ایران و حق آن‌ها برای تعیین سرنوشت خودشان بوده است.»

او گفت نقشش این است که روند گذار به یک حکومت دموکراتیک جدید را هدایت کند.

رضا پهلوی افزود: «من مقصد نیستم؛ پلی هستم برای رسیدن به مقصد.»

نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در نیویورک به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخی نداد.

در حالی که حامیان رضا پهلوی او را شخصیتی وحدت‌بخش می‌دانند، چندین تلاش او برای متحد کردن اپوزیسیون، که سال‌هاست با اختلافات عمیق روبه‌رو است، به شکست انجامیده است. به‌گفته سه نفر که از جزئیات یکی از این تلاش‌ها در سال ۱۴۰۲ [در بحبوحه جنبش زن، زندگی، آزادی] آگاه هستند، همسر رضا پهلوی در جریان آن به دیگر رهبران مخالفان توهین کرده است؛ ادعایی که او آن را رد می‌کند.

همچنین دو فعال سیاسی به رویترز گفته‌اند که رضا پهلوی در جریان کارزاری برای قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی، بیشتر به سخن گفتن اکتفا کرد و اقدام عملی مؤثری انجام نداد. سپاه پاسداران در ایران از نفوذ گسترده نظامی، سیاسی و اقتصادی برخوردار است.

بیشتر در این باره:

کارزار اسرائیل برای «تبلیغ شاهزاده پهلوی و علیه جمهوری اسلامی»



خبرگزاری رویترز برای تهیه این گزارش با بیش از ۵۰ نفر، از جمله هشت نفر از مشاوران و همکاران کنونی و پیشین رضا پهلوی، گفت‌وگو کرده است. این خبرگزاری همچنین صدها اسناد حقوقی را بررسی کرده و حجم زیادی از ویدئوها، تصاویر و مطالب منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی درباره رضا پهلوی و حامیانش را مرور کرده است؛ حامیانی که برخی از آنان خواهان بازگشت نظام پادشاهی پیش از انقلاب هستند.

مهم‌ترین پشتوانه و سرمایه سیاسی رضا پهلوی این است که فرزند آخرین شاه ایران است. برخلاف بسیاری از رهبران موفق انقلاب‌های معاصر، مانند نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی، لخ‌والسا در لهستان یا اسلام‌گرایانی که حکومت پدرش را سرنگون کردند، به نظر نمی‌رسد او در داخل ایران از یک جنبش سازمان‌یافته و فراگیر برخوردار باشد که در صورت تغییر حکومت بتواند قدرت را در دست بگیرد.

از سوی دیگر، حکومت جمهوری اسلامی با سرکوب مخالفان، بسیاری از چهره‌هایی را که می‌توانستند به جایگاهی مشابه رضا پهلوی برسند، از صحنه حذف کرده است. هزاران مخالف زندانی یا کشته شده‌اند و جمهوری اسلامی همچنین متهم است که برای ترور منتقدان خود در خارج از کشور نیز تلاش کرده است.

رضا پهلوی این توصیف را که کارزارش با رکود روبه‌رو شده، رد کرد و گفت روندی نیرومند برای «بسیج نیروها جهت غلبه بر این حکومت» در جریان است. او به رویترز گفت این ادعا که نتوانسته یک جنبش توده‌ای ایجاد کند، «درست نیست».

او گفت شمار زیادی از ایرانیان به فراخوان او برای اعتراض‌های خیابانی در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ پاسخ دادند و بسیاری از آنان در تیراندازی نیروهای حکومتی کشته شدند.

رضا پهلوی افزود که با «رهبران هسته‌ها» در «بیش از هزار گروه مختلف» که شامل فعالان کارگری، دانشگاهی، مذهبی و گروه‌های قومی هستند، در ارتباط است تا «به محض آن‌که فرصت فراهم شود، آماده اقدام باشند».

رویترز می‌گوید نتوانسته است به‌طور مستقل تعداد گروه‌هایی را که در داخل ایران با رضا پهلوی همکاری می‌کنند، تأیید و راستی‌آزمایی کند.

رضا پهلوی گفت «کشتار» معترضان در دی‌ماه باعث شد نگاه او به موضوع مداخله خارجی تغییر کند. در همان ماه، یک مقام ایرانی به رویترز گفته بود شمار کشته‌شدگان اعتراض‌های خیابانی دست‌کم به پنج هزار نفر رسیده است؛ اما رضا پهلوی این رقم را ۴۰ هزار نفر اعلام می‌کند.

او گفت: «این حکومت نشان داده که هیچ رحمی ندارد. حاضر است هزاران هزار نفر از شهروندان خودش را بکشد و به همین دلیل باید نگاه‌مان به این موضوع تغییر کند».

رضا پهلوی افزود مردم ایران همچنان «نیروهای حاضر در میدان» هستند، اما برای «برابر کردن موازنه» به کمک نظامی خارجی نیاز دارند.

او همچنین گفت هرگز به دنبال حمایت یا تأیید هیچ دولت یا رهبر خارجی نبوده است.

به گفته او، «این وظیفه هیچ دولت خارجی نیست که تصمیم بگیرد چه کسی یا چه چیزی باید جایگزین حکومت ایران شود. این تصمیم فقط بر عهده مردم ایران است».

رضا پهلوی در این گفت‌وگوها مستقیماً به پیام دونالد ترامپ درباره «بازگرداندن ایران به عصر حجر» اشاره نکرد، اما مانند گذشته تأکید کرد که حملات نظامی باید «تا حد امکان حکومت را هدف قرار دهد»، اما «زیرساخت‌های غیرنظامی» را مصون نگه دارد.

او همچنین درباره فعالیت‌های سیاسی خود، اقدامات خشونت‌آمیز برخی از هواداران تندرویش را به‌صراحت محکوم کرد و گفت برای ایجاد وحدت میان مخالفان جمهوری اسلامی تلاش فراوانی کرده است.

رضا پهلوی گفت: «نمایندگانی از همه اقشار و با همه گرایش‌های فکری را گرد هم آورده‌ام. حتی با کسانی ارتباط برقرار کرده‌ام که زمانی از سرسخت‌ترین دشمنان پدرم بودند. امروز همان افراد کاملاً با من همراه

هستند و در کنار من فعالیت می‌کنند.»

او درباره منتقدانش گفت: «آن‌ها حق دارند نظر خودشان را داشته باشند. ممکن است بعضی‌ها از چهره من خوششان نیاید یا فکر کنند باید فلان کار یا بهمان کار را انجام بدهم.»

اما افزود: «فکر می‌کنم در مجموع، هم در داخل ایران و هم در خارج از کشور، از حمایت گسترده‌ای برخوردارم.»

رضا پهلوی اذعان کرد که بخشی از این حمایت به نام خانوادگی او بازمی‌گردد. او گفت: «بله، نام خانوادگی من پهلوی است و اتفاقاً این یک امتیاز مثبت است. همین نامی است که مردم در خیابان‌ها شعارش را می‌دهند.»

هرچند انجام نظرسنجی دقیق در جامعه اقتدارگرا و بسته ایران دشوار است، به گفته عمار ملکی، مدیر مؤسسه پژوهشی «گمان» مستقر در هلند که نظرسنجی‌های اینترنتی در ایران انجام می‌دهد، در یک نظرسنجی از ۳۱ هزار و ۴۵۰ ایرانی در اواخر تیر ۱۴۰۵، حدود ۴۸ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاه مثبتی نسبت به رضا پهلوی داشته‌اند.

«حباب سلطنت‌طلبان»

۴۸ سال از آخرین باری که رضا پهلوی، فرزند ارشد محمدرضا شاه پهلوی، در ایران حضور داشت می‌گذرد.

او که علاقه زیادی به هوانوردی داشت، در سال ۱۳۵۷ و در ۱۷ سالگی برای گذراندن دوره آموزش خلبانی جت به پایگاه نیروی هوایی ریس در ایالت تگزاس رفت. پس از انقلاب ۱۳۵۷، که با اعتراضی گسترده علیه حکومت سرکوبگر پدرش آغاز شد اما در نهایت به استقرار حکومت جمهوری اسلامی انجامید، در خارج از ایران ماند و مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم اجتماعی و ارتباطات از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی دریافت کرد.

زندگی او در تبعید با چندین تراژدی شخصی همراه بوده است. پدرش در سال ۱۳۵۹ بر اثر عوارض ناشی از سرطان غدد لنفاوی درگذشت. خواهرش لیلا در سال ۱۳۸۰ در لندن بر اثر مصرف بیش از حد دارو یا مواد مخدر جان باخت. برادرش علیرضا، که دانشجوی دکتری مطالعات ایران باستان در دانشگاه هاروارد بود، نیز در سال ۱۳۸۹ به زندگی خود پایان داد.

به گفته سه نفری که سال‌هاست رضا پهلوی را می‌شناسند، او که اکنون ۶۵ سال دارد، هرگز شغلی متعارف با حقوق ثابت نداشته است. در عوض، سال‌های تبعید خود را به فعالیت سیاسی گذرانده و کوشیده است خود را رهبر اپوزیسیون ایران معرفی کند؛ در این مسیر نیز همواره گروهی از حامیان او را همراهی کرده‌اند که برخی از آنان بعدها از او فاصله گرفته‌اند.

رضا پهلوی در پاسخ به این موضوع به رویترز گفت: «اگر وکیلی تصمیم بگیرد پرونده‌ای را رایگان قبول کند، آیا به این معناست که شغل ندارد؟ من چهار دهه است که داوطلبانه و بدون دریافت هیچ دستمزدی این کار را انجام داده‌ام؛ فداکاری‌ای برای کشورم.»

درک وَن اوردن، نماینده جمهوری‌خواه ایالت ویسکانسین در مجلس نمایندگان آمریکا، که در اردیبهشت ۱۴۰۵ در دفتر خود در واشینگتن با رضا پهلوی دیدار کرده بود، گفت او را فردی خوش‌بین و متواضع یافته است. او افزود: «قدبلند است و ظاهرش هم کاملاً شبیه یک رئیس‌جمهور است.»

وَن اوردن گفت در این دیدار، رضا پهلوی را درباره عملکرد «نفرت‌انگیز» ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت حکومت پهلوی، به چالش کشیده و به او گفته است: «همه خاطره خوبی از حکومت پدرتان ندارند» و رضا پهلوی نیز این موضوع را پذیرفته است.

اما همه با ون آوردن هم نظر نیستند.

علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران، نهادی که در زمینه پیشگیری از درگیری‌ها فعالیت می‌کند، گفت پس از دیدار با رضا پهلوی حدود ۱۵ سال پیش به این نتیجه رسیده است که او روحیه لازم برای ورود به کشمکش‌های سخت و پیچیده سیاست را که برای رهبری تغییر در ایران ضروری است، ندارد.

واعظ گفت: «وقتی با او صحبت می‌کنید، متوجه می‌شوید که علاقه‌اش به فوتبال، غذا و عکاسی بسیار بیشتر از سیاست است. آن زمان و امروز، کاملاً روشن بود که ویژگی‌های لازم برای رهبری را ندارد.»

اسکات اندرسون، نویسنده کتاب «شاه شاهان: انقلاب ایران» که در سال ۱۴۰۴ منتشر شد و به انقلاب منجر به سقوط حکومت محمدرضا شاه می‌پردازد، نیز گفت: «او در نوعی حباب سلطنت‌طلبانه زندگی کرده است.»

اندرسون افزود: «چیزی که همیشه از افراد جامعه ایرانیان خارج از کشور درباره او شنیده‌ام این بوده که شخصیت چندان قدرتمندی نیست.»

رضا پهلوی در واکنش به این انتقادات گفت: «وقتی پدرم در قاهره درگذشت، به راحتی می‌توانستم با خودم بگویم: "بی‌خیال، زندگی خودم را دنبال می‌کنم؛ مثل خیلی‌های دیگر به سراغ کسب‌وکار یا کارهای دیگر می‌روم." اما «تصمیم گرفتم به خاطر کشورم در این مسیر بمانم.»

اندرسون و شماری دیگر از کارشناسان، با وجود این انتقادات، معتقدند رضا پهلوی شناخته‌شده‌ترین چهره مخالف جمهوری اسلامی است.

اپوزیسیون ایران، در کشوری با بیش از ۹۰ میلیون نفر جمعیت، طیف گسترده‌ای از سلطنت‌طلبان، سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها، جمهوری‌خواهان و همچنین گروه‌های سکولار، مذهبی و قومی را در بر می‌گیرد. هرچند همه این گروه‌ها با جمهوری اسلامی مخالف‌اند، اما درباره این‌که چه نظامی و چه فردی باید جایگزین آن شود، اختلاف‌های عمیقی دارند.

برخی از این گروه‌های مخالف، با اشاره به سابقه حکومت اقتدارگرای محمدرضا شاه، تردید دارند که رضا پهلوی واقعاً به وعده خود مبنی بر اداره یک دولت انتقالی و سپس واگذاری تصمیم‌گیری درباره آینده نظام سیاسی به مردم ایران پایبند بماند.

رویترز از رضا پهلوی پرسید که آیا حتی اگر مردم ایران در یک همه‌پرسی به برقراری نظام پادشاهی مشروطه رأی بدهند، حاضر است از پادشاه شدن صرف‌نظر کند؟

او در پاسخ گفت: «من به شما می‌گویم که برای به دست آوردن مقام یا منصب سیاسی نامزد نشده‌ام. این هیچ‌وقت دغدغه اصلی من نبوده است. در نهایت هم بستگی دارد به این‌که چه چیزی بیش از همه به سود کشور باشد.»

حس نوستالژی نسبت به ثبات و رفاه نسبی‌ای که بخشی از ایرانیان در دوران حکومت پدرش تجربه کرده بودند، به مرور زمان به تقویت جایگاه و تصویر سیاسی او کمک کرده است.

ناهید خضرای، ۵۴ ساله، در ۱۶ سالگی ایران را ترک کرد. او از جمله معترضان بود که ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ در حمایت از رضا پهلوی در خیابان‌های نیویورک راهپیمایی کردند. خضرای گردنبندی بر گردن داشت که تصاویر دونالد ترامپ و رضا پهلوی روی آن نقش بسته بود. او گفت این گردنبند نماد شعار «MIGA» یا «عظمت را دوباره به ایران بازگردانیم» است.

رضا پهلوی به رویترز گفت: «او تنها کسی است که همه می‌توانند به او اعتماد کنند، چون پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و خانواده‌های ما، پیش از انقلاب، روزهای خوبی را تجربه کرده بودند.»

مشت و لگد

دیلووان عمادالدین سیلاشور تصور می‌کرد قرار است جانش را از دست بدهد.

این خبرنگار آزاد گُرد اهل عراق، ۱۸ اسفند ۱۴۰۴، برای پوشش پیامدهای درگیری‌ای که رخ داده بود به محل رفت. درگیری پس از آن آغاز شد که گروهی از هواداران رضا پهلوی به یک رستوران گُردی در لندن رفتند و از صاحبان آن خواستند پرچم شیر و خورشید، نماد ایران پیش از انقلاب و از نشانه‌های حمایت از رضا پهلوی، را بر سر در رستوران نصب کنند. برآورد می‌شود کردهای ایران حدود ۱۰ تا ۱۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

عمادالدین گفت تنها چند لحظه پس از رسیدن او، یک مرد به گروهی از کردهای محلی که برای محافظت از رستوران بیرون آن ایستاده بودند، توهین کرد و همین موضوع باعث آغاز درگیری دیگری شد.

او گفت هنگامی که مشغول فیلم‌برداری بود، چند مرد ایرانی‌الاصل به او حمله کردند، به زمین انداختند و بارها با لگد و مشت به سر و پشتش ضربه زدند. او برای محافظت از خود، کیفش را روی سرش گذاشت.

عمادالدین گفت در آن لحظه با خود فکر می‌کرد: «این پایان زندگی من است.»

او همان شب به دلیل کبودی شدید دنده‌ها در بیمارستان تحت درمان قرار گرفت و می‌گوید هنوز هم از درد کمر و پا رنج می‌برد.

عمادالدین پس از شکایت به پلیس گفت مأموران عکس‌هایی را به او نشان دادند که از میان آن‌ها یکی از افرادی را که به گفته او در حمله نقش داشت، شناسایی کرد.

رویترز حساب‌های این فرد در شبکه‌های اجتماعی را بررسی کرده است. این حساب‌ها حاوی مطالب متعددی است که او را در تجمع‌ها و راهپیمایی‌های حامیان رضا پهلوی نشان می‌دهد و در بسیاری از آن‌ها پرچم شیر و خورشید دیده می‌شود.

این مرد در پیامی اینترنتی به رویترز هرگونه حمله به سیلاشور را رد کرد و گفت: «من اصلاً آن پسر را نزدِم.» پلیس اعلام کرد تحقیقات همچنان ادامه دارد. مأموران دو نفر را در این پرونده بازداشت کردند، اما بدون طرح اتهام آزاد شدند.

این حمله یکی از دست‌کم چهار موردی است که رویترز در سه کشور بریتانیا، هلند و اتریش مستند کرده و در آن‌ها هواداران رضا پهلوی به خشونت یا آزار و اذیت دیگران متهم شده‌اند. افزون بر این، دو تن از هواداران رضا پهلوی نیز در اسفند ۱۴۰۴ در کانادا به اتهام قتل یکی از منتقدان او تحت پیگرد قرار گرفتند.

رضا پهلوی در پاسخ به پرسشی درباره خشونت برخی از هوادارانش به رویترز گفت: «آن را محکوم می‌کنم. خودم را از آن جدا می‌دانم. نه توجیهش می‌کنم و نه می‌پذیرمش. حتی از هر مرجع مسئول می‌خواهم کسانی را که چنین جرمی مرتکب شده‌اند، تحت پیگرد قرار دهد. هیچ‌کس حق ندارد به دیگران حمله کند و آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار دهد.»

در هلند، سخنگوی پلیس شهر لاهه به رویترز گفت این نهاد در حال تحقیق درباره کارزارهای اینترنتی است که گفته می‌شود شماری از ایرانیان را هدف آزار و تهدید قرار داده‌اند.

شب‌نم حسینی، مشاور ۴۶ ساله کسب‌وکار، در پستی اینستاگرامی در یکم تیر ۱۴۰۵ نوشت که مقام‌های هلندی او را به مدت پنج ساعت و نیم بازجویی کرده‌اند؛ بازجویی‌ای که به گفته او درباره اتهام افشای اطلاعات شخصی (داکسینگ) شماری از ایرانیان ساکن هلند بوده است.

او این پست را با شعار «جاوید شاه» به پایان رساند. بررسی حساب‌های او در شبکه‌های اجتماعی نیز نشان می‌دهد بخش زیادی از مطالب منتشرشده در آن‌ها در حمایت از رضا پهلوی است.

یکی از افرادی که هدف فعالیت‌های شب‌نم حسینی در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت، یک مهندس نرم‌افزار ۳۸ ساله بود.

این فرد که به شرط فاش نشدن نامش با رویترز گفت‌وگو کرده، گفت ۲۶ دی ۱۴۰۴ در تجمعی در نزدیکی لاهه که در اعتراض به حمله قریب‌الوقوع آمریکا به ایران برگزار شده بود، شرکت کرده است. او گفت چند ساعت بعد متوجه شد عکسش در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و او را به‌عنوان فردی وفادار به جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند.

یکی از این مطالب را شب‌نم حسینی منتشر کرده بود. او علاوه بر انتشار عکس این مهندس نوشت با سازمان اطلاعات و امنیت هلند (AIVD)، نهاد ملی مقابله با تروریسم (NCTV) و همچنین محل کار او تماس گرفته و از شرکت خواسته است دسترسی او به برخی اطلاعات شرکتی را لغو کند؛ زیرا به ادعای او ممکن است از این اطلاعات برای کمک به حکومت ایران در هدف قرار دادن ایرانیان خارج از کشور استفاده شود.

بر اساس گزارش پلیس، این مهندس پس از این با موجی از اتهام‌های مشابه در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد که برای او اضطراب شدید به همراه داشت.

شرکت محل کار این مهندس به رویترز اعلام کرد که «از این موضوع آگاه است»، اما از ارائه توضیح بیشتر خودداری کرد.

سازمان اطلاعات و امنیت هلند، نهاد ملی مقابله با تروریسم و پلیس ملی این کشور نیز حاضر نشدند بگویند آیا با شب‌نم حسینی تماسی داشته‌اند یا نه. پلیس لاهه نیز به پرسش‌های رویترز درباره او پاسخ نداد.

شب‌نم حسینی به رویترز گفت پلیس در بازجویی از او درباره مطلب مربوط به این مهندس سؤالی نکرده و او نیز از انتشار آن پشیمان نیست.

او مدعی شد تجمعی که این مهندس در آن شرکت کرده بود، گردهمایی حامیان جمهوری اسلامی بوده است و گفت اطلاعات مربوط به افرادی که به گفته او مظنون به همدلی با حکومت هستند، باید برای استفاده در «دادگاه‌های دولت انتقالی» که پس از سقوط جمهوری اسلامی تشکیل خواهد شد، جمع‌آوری شود.

در بهمن ۱۴۰۴ نیز چند نفر که خود را از هواداران رضا پهلوی معرفی می‌کردند، با مهدی شاه‌پروری، صاحب یک رستوران ایرانی در وین، روبه‌رو شدند و از او خواستند پرچم ایران پیش از انقلاب را نصب کند.

شاه‌پروری به رویترز گفت وقتی این درخواست را رد کرد، آن افراد تهدید کردند کسب‌وکارش را نابود خواهند کرد، به کارکنان رستوران توهین کردند و مشتریان را ترساندند. از این ماجرا فیلم گرفته شد و ویدئوی آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

در دادگاهی که تیر ۱۴۰۵ برگزار شد، یکی از متهمان در دو اتهام، شامل تهدید خطرناک و اعمال اجبار، مجرم شناخته شد و دادگاه او را به پرداخت مبلغ نمادین صد یورو به شاه‌پروری محکوم کرد.

دادستانی وین اعلام کرده است که تحقیقات دربارهٔ یک زن مظنون در این پرونده همچنان ادامه دارد.

اندکی پس از حادثه رستوران وین، گروهی از دانشجویان و چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی، از جمله برخی منتقدان رضا پهلوی که معتقد بودند او دامنه محدودی از گروه‌های مخالف را در بر می‌گیرد، کنفرانسی را در هتلی در لندن برگزار کردند.

دو نفر از شرکت‌کنندگان که خواستند نام‌شان فاش نشود، به رویترز گفتند برگزارکنندگان به برخی حاضران توصیه کرده بودند به دلیل نگرانی از احتمال خشونت از سوی گروهی از هواداران رضا پهلوی که بیرون هتل تجمع کرده بودند، از راه خروجی زیرزمین و با خودرو محل را ترک کنند.

یکی از این افراد گفت با وجود این هشدار، پیاده از هتل خارج شد، اما گروهی حدوداً ۲۰ نفره راه او را گرفتند، به صورتش آب دهان انداختند، تلاش کردند او را به زمین بیندازند و از او خواستند شعار «جاوید شاه» را تکرار کند. او گفت وقتی از این کار خودداری کرد، دوباره به صورتش آب دهان انداختند.

رویترز نتوانسته است این روایت را به‌طور مستقل تأیید کند.

«یک مشت آدم بی‌نام و نشان»

به‌گفتهٔ برخی منتقدان رضا پهلوی، او نتوانسته است به ادبیات توهین‌آمیزی که برخی از نزدیک‌ترین مشاوران و همچنین همسرش علیه دیگر مخالفان جمهوری اسلامی به کار می‌برند، پایان دهد؛ رفتاری که به گفته آنان شکاف‌های موجود در میان اپوزیسیون را عمیق‌تر کرده است.

در اوایل سال ۱۴۰۲، شماری از چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی تلاش تازه‌ای برای ایجاد وحدت آغاز کردند؛ تلاشی که به دلیل نخستین نشست آن در دانشگاه جورج‌تاون در واشینگتن، به «ائتلاف جورج‌تاون» معروف شد.

در چارچوب این ابتکار، اعضای ائتلاف در اسفند همان سال برای شرکت در یک نشست در تورنتو گرد هم آمدند. به گفته سه نفری که از این ماجرا اطلاع دارند، در حالی که شرکت‌کنندگان در اتاقی در انتظار رفتن روی صحنه بودند، یاسمین پهلوی، همسر رضا پهلوی، وارد شد و بدون مقدمه به دیگر مخالفان گفت در مقایسه با همسرش «هیچ کس نیستند».

به گفته این منابع، این اظهارات حاضران را شوکه کرد.

در میان حاضران، حامد اسماعیلیون، که همسر و دخترش در سرنگونی هواپیمای مسافربری خطوط هوایی بین‌المللی اوکراین به دست سپاه پاسداران در سال ۱۳۹۸ کشته شدند، و همچنین مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و مخالف ایرانی-آمریکایی که هدف سوءقصد قرار گرفته بود، حضور داشتند.

چند هفته بعد، در پی اختلاف نظر بر سر مسیر آینده این ائتلاف، این تشکل از هم پاشید.

بیشتر در این باره:

یاسمین پهلوی می‌گوید ضدیت با ایده چپ به معنی موافقتش با کشتار چپ‌ها نیست



یاسمین پهلوی در بیانیه‌ای به رویترز این روایت را رد کرد و گفت هرگز چنین جمله‌ای بر زبان نیاورده است. او این ادعا را «کاملاً ساختگی» خواند و افزود: «هیچ گفت‌وگویی از این دست در تورنتو رخ نداد. انتشار

چنین دروغ‌هایی مایه تأسف است.»

برخی دیگر از اعضای حلقه نزدیکان رضا پهلوی نیز متهم شده‌اند که با حمله به مخالفان او، به تشدید اختلاف‌ها دامن زده‌اند.

سعید قاسمی‌نژاد، از مشاوران ارشد رضا پهلوی، در پیامی در شبکه ایکس در دی ۱۴۰۴ نوشت: «یا با شاهزاده رضا پهلوی هستید یا با جمهوری اسلامی. اگر به هر دلیلی فرمانده میدان را تضعیف کنید، عامل دشمن هستید.»

قاسمی‌نژاد به رویترز چنین توضیح داد که این پیام خطاب به «گروه کوچکی از سلطنت‌طلبان افراطی» بوده که به گفته او، رضا پهلوی را به دلیل اصرار بر برگزاری همه‌پرسی برای تعیین شکل حکومت آینده ایران مورد حمله قرار می‌دادند.

رضا پهلوی نیز به رویترز گفت درباره نوع ادبیات برخی از نزدیکانش با آن‌ها گفت‌وگو کرده و در حال تدوین «ضوابط بسیار سخت‌گیرانه‌تری» برای آنان است. او گفت: «دیگر نمی‌توانید مستقل عمل کنید. باید بسیار محتاط‌تر باشید.»

«مرگی که از پیش پیش‌بینی شده بود»

۱۶ اسفند ۱۴۰۴ پلیس جسد مسعود مسجودی، پژوهشگر ایرانی‌تبار و مدرس ریاضیات ساکن حوالی ونکوور، را پیدا کرد. اندکی بعد، مقام‌های کانادایی دو نفر از حامیان رضا پهلوی را به قتل او متهم کردند.

مسجودی از فعالان شناخته‌شده طرفدار دموکراسی بود که پیش‌تر از رضا پهلوی حمایت می‌کرد و حتی در سال ۱۴۰۰ در یک گفت‌وگوی ویدئویی طولانی با او شرکت کرده بود.

به گفته یکی از آشنایان آنان، مسجودی همچنین با دو تن از نزدیک‌ترین مشاوران رضا پهلوی، سعید قاسمی‌نژاد و امیر اعتمادی، ارتباط داشت. هر سه تقریباً هم‌زمان در دانشگاه تهران تحصیل کرده بودند.

این سه نفر بعدها در گروه سیاسی «دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال ایران» که از رضا پهلوی حمایت می‌کرد، فعالیت کردند. مسجودی و امیر اعتمادی همچنین عضو شبکه «فرشگرد» بودند؛ گروهی که آن نیز از رضا پهلوی پشتیبانی می‌کرد.

قاسمی‌نژاد تأیید کرد که با مسجودی هم‌دانشگاهی بوده، اما گفت چند سالی است با او ارتباطی نداشته است.

امیر اعتمادی نیز به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخی نداد.

با این حال، مسجودی در نهایت از رضا پهلوی فاصله گرفت. او در سال ۱۴۰۳ چندین دادخواست علیه رضا پهلوی و شماری از حامیان در دیوان عالی استان بریتیش کلمبیا ثبت کرد؛ پرونده‌هایی که در مجموع هزاران صفحه اسناد قضایی را در بر می‌گرفت.

در یکی از این دادخواست‌ها آمده است: «رضا پهلوی از طریق دفتر، مشاوران، منشی‌ها و همکارانش سابقه مستمری در هدایت حملات سایبری علیه فعالان ایرانی منتقد، به‌ویژه فعالان طرفدار دموکراسی، دارد.»

مسجودی همچنین استدلال کرده بود که رضا پهلوی «در قبال رفتار هوادارانش که تحت نفوذ او عمل می‌کنند، مسئولیت حقوقی غیرمستقیم دارد.»

رضا پهلوی در ابتدا به دو دادخواستی که علیه او تنظیم شده بود پاسخی نداد. اما پس از آنکه متوجه شد مسجودی در غیاب او موفق به دریافت حکم دادگاه شده است، در آبان ۱۴۰۴ دو اظهارنامه رسمی ارائه کرد و در آن‌ها همه اتهام‌های مطرح‌شده را رد کرد.

او در هر دو اظهارنامه نوشت: «من خواهان، مسعود مسجودی، را نمی‌شناسم.» این در حالی است که این دو نفر پیش‌تر به‌صورت آنلاین با یکدیگر دیدار کرده بودند.

به گفته فردی که در جریان این نشست بوده است، تیر ۱۴۰۰ مسجودی در یک گفت‌وگوی خصوصی از طریق زوم با رضا پهلوی و دو فعال دیگر شرکت کرد.

مسجودی این گفت‌وگو را ضبط کرد و بعدها بخشی از آن را که شامل گفت‌وگوی خودش با رضا پهلوی بود، در یوتیوب منتشر کرد.

سعید حسین‌پور، از اعضای فعال فرشگرد، نیز گفت مسجودی در برخی از نشست‌های متعدد زومی که اعضای این گروه با رضا پهلوی داشتند، حضور داشته است.

رضا پهلوی به رویترز گفت تاکنون با هزاران نفر از طریق زوم گفت‌وگو کرده است.

او افزود: «واقعاً به خاطر ندارم گفت‌وگوی مشخصی با این فرد داشته باشم.»

در اواخر سال گذشته، مسجودی به این نتیجه رسیده بود که دو نفر را که خود آنان را «دو هوادار دواآتشه رضا پهلوی» توصیف می‌کرد و علیه‌شان نیز شکایت کرده بود، قصد دارند او را ترور کنند.

او در مهر ۱۴۰۴ در شبکه ایکس مدعی شد مهدی احمدزاده رضوی و آرزو سلطانی در تلاش بوده‌اند ماده‌ای کشنده تهیه کنند تا او را به قتل برسانند و از ادامه پرونده‌های قضایی‌اش علیه رضا پهلوی و دیگران جلوگیری کنند.

رُزیتا فاطمی، پزشک ساکن منطقه، بعداً در یک اظهارنامه رسمی نوشت که در شهریور ۱۴۰۴ با این دو نفر دیدار کرده و یکی از آن‌ها از او خواسته است دارویی در اختیارش بگذارد تا «از شر او خلاص شوند.»

فاطمی نوشت: «از محتوای گفت‌وگو این‌گونه فهمیدم که منظورشان کشتن اوست.»

او افزود که این درخواست را رد کرده است.

فاطمی نیز به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخی نداد.

چند تن از دوستان مسجودی به رویترز گفتند او پیش از مرگ، پیام‌هایی برای آنان فرستاده و خواسته بود اگر کشته شد، آن‌ها را در اختیار پلیس قرار دهند.

در یکی از این پیام‌ها به گفت‌وگوی او با رضا پهلوی از طریق زوم نیز اشاره شده بود.

در اوایل بهمن ۱۴۰۴، همسایگان مسجودی ناپدید شدن او را به پلیس گزارش کردند.

ماه بعد، پس از پیدا شدن جسدش، همان دو نفری که مسجودی آن‌ها را به طراحی نقشه قتل خود متهم کرده بود، به اتهام قتل عمد درجه یک تحت پیگرد قرار گرفتند. وکلای مدافع این دو متهم به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخی ندادند. هر دو متهم همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

رویترز تأکید می‌کند هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که رضا پهلوی به نحوی در این پرونده نقشی داشته باشد.

رضا پهلوی به رویترز گفت: «این یک فاجعه است. هر کس مسئول این قتل بوده، باید در برابر دادگاه قرار بگیرد و بابت جرمی که مرتکب شده محاکمه شود.»

پرونده‌های قضایی مسجودی عملاً متوقف شده‌اند؛ زیرا یک قاضی در ونکوور حکم داده است که با توجه به درگذشت او، درخواست‌های طرف مقابل برای رد این دعاوی «موضوعیت خود را از دست داده‌اند.»

«رضا پهلوی ما را تحریم کرد»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهم‌ترین ابزار جمهوری اسلامی برای سرکوب داخلی و اعمال نفوذ در خارج از کشور به شمار می‌رود.

رضا پهلوی بارها در شبکه اجتماعی ایکس از قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی حمایت کرده است؛ اقدامی که می‌تواند دسترسی این نهاد به نظام بانکی و همکاری با شرکت‌های غربی را محدود کند.

او به رویترز گفت: «دست‌کم در ۱۰ سال گذشته، از نخستین کسانی بوده‌ام که خواستار قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی شده‌ام.»

اما دو فعال که در کارزار جهانی برای تروریستی اعلام شدن سپاه نقش داشتند، به رویترز گفتند رضا پهلوی، جز انتشار چند پیام در شبکه‌های اجتماعی و دست‌کم یک یادداشت در یک روزنامه، عملاً حضور چشمگیری در این کارزار نداشته است.

علیرضا آخوندی، نماینده ایرانی‌تبار پارلمان سوئد، از رهبران این کارزار بود.

او گفت در سال ۱۴۰۲ دو بار با رضا پهلوی دیدار کرد تا از او بخواهد از این کارزار، که در استراسبورگ فرانسه و سپس بروکسل تظاهرات برگزار می‌کرد، حمایت کند.

آخوندی گفت از رضا پهلوی خواسته بود بیانیه‌ای را امضا کند که قرار بود در روزنامه‌های اروپا و آمریکا منتشر شود تا نشان دهد طیف گسترده‌ای از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی از این کارزار حمایت می‌کنند.

او همچنین از رضا پهلوی خواست در تجمع بروکسل شرکت کند یا دست‌کم دخترش را به آن مراسم بفرستد.

آخوندی گفت به رضا پهلوی گفته بود: «اگر بخواهی، این کارزار می‌تواند به نام تو شناخته شود.»

به گفته او، رضا پهلوی پس از یکی از این دیدارها گفت که بعداً پاسخ خواهد داد. اما آخوندی افزود: «هیچ‌وقت پاسخی نداد.»

او گفت رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی از تروریستی اعلام شدن سپاه حمایت کرد، اما نه بیانیه را امضا کرد و نه در هیچ‌یک از دو تجمع استراسبورگ و بروکسل حضور یافت.

حسن ورکیانی، که در بخشی دیگر از این کارزار فعالیت می‌کرد، نیز گفت: «رضا پهلوی ما را تحریم کرد» و «از حضور در همه برنامه‌های مرتبط با کارزار سپاه خودداری کرد.»

رضا پهلوی در پاسخ به این انتقادات به رویترز گفت گاهی برخی فعالان «می‌خواهند از شما برای تقویت کارزار شخصی خودشان استفاده کنند، نه برای پیشبرد یک هدف عمومی.»

او افزود: «فکر می‌کنم شاید مسئله همین بوده است.»

به گفته حسن ورکیانی، چند روز پس از دومین دیدار علیرضا آخوندی با رضا پهلوی، بسیاری از هواداران او اعلام کردند که دیگر در این کارزار مشارکت نخواهند کرد و کمک‌های مالی نیز متوقف شد.

ورکیانی گفت: «همان افرادی که تا دیروز با ما پشت یک میز می‌نشستند، حالا با ما می‌جنگیدند» و ادعا می‌کردند که ضرورتی ندارد سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گیرد.

علیرضا آخوندی نیز گفت که خود هدف یک «کارزار هماهنگ تخریب شخصیت» در فضای مجازی قرار گرفت و به فساد متهم شد.

او افزود که تهدید به مرگ شده و به همین دلیل، مقام‌های سوئدی از آن زمان تاکنون، یعنی بیش از سه سال، به‌طور شبانه‌روزی از او محافظت پلیسی می‌کنند.

سازمان امنیت سوئد از تأیید یا رد این موضوع خودداری کرد و اعلام کرد انتشار چنین اطلاعاتی «می‌تواند آسیب‌پذیری ایجاد کند و روش‌های کاری ما را آشکار سازد».

آخوندی با وجود این فشارها به فعالیت خود ادامه داد.

سرانجام در دی ۱۴۰۴، اتحادیه اروپا سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد؛ اقدامی که آمریکا پیش‌تر در سال ۱۳۹۸ انجام داده بود.

رضا پهلوی نیز در شبکه ایکس نوشت: «از تصمیم اتحادیه اروپا برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی استقبال می‌کنم».

گروه واتس‌آپ تریلیون دلاری

پس از حملات اسرائیل به ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه سال گذشته، ۱۵ تن از سرشناس‌ترین بازرگانان ایرانی-آمریکایی یک گروه واتس‌آپی تشکیل دادند تا به‌صورت خصوصی درباره تحولات ایران گفت‌وگو کنند. این گروه بعدها به ۲۸ عضو گسترش یافت.

یکی از اعضای این گروه به رویترز گفت ارزش بازار شرکت‌هایی که این افراد مدیریت می‌کنند، در مجموع اکنون بیش از یک تریلیون دلار است.

در دی ۱۴۰۴، پس از آن‌که گزارش شد هزاران معترض در ایران نام رضا پهلوی را در تجمع‌ها فریاد می‌زنند، اعضای این گروه واتس‌آپی درباره حمایت مالی از او گفت‌وگو کردند.

اما همه با این ایده موافق نبودند. یکی از اعضای گروه گفت: «آن‌ها اطمینان نداشتند که او فرد مناسبی باشد.»

او افزود که در نهایت، کمتر از ۱۰ نفر از اعضا، در مجموع بیش از سه میلیون دلار به فعالیت‌های رضا پهلوی کمک مالی کردند.

در میان کمک‌کنندگان مالی، نام دارا خسروشاهی، مدیرعامل اوبر، نیز دیده می‌شود؛ کسی که خانواده‌اش اندکی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران را ترک کردند.

سخنگوی اوبر تأیید کرد که خسروشاهی به رضا پهلوی کمک مالی کرده است، اما گفت او سلطنت‌طلب نیست و هدف اصلی‌اش از این کمک، تأمین هزینه‌های حفاظت امنیتی رضا پهلوی بوده است.

به گفته این سخنگو، دارا خسروشاهی به این دلیل حاضر به پرداخت این کمک شد که معتقد است رضا پهلوی تنها قصد دارد در مقام یک چهره انتقالی، روند استقرار دموکراسی در ایران را تسهیل کند.

برای افزایش نفوذ و جایگاه سیاسی رضا پهلوی، یکی دیگر از حامیان مالی او دیداری میان وی و جیمی دایمن، مدیرعامل بانک جی‌پی مورگان چیس، ترتیب داد.

سخنگوی این بانک برگزاری این دیدار را تأیید کرد، اما از توضیح درباره محتوای گفت‌وگو خودداری کرد.

سومین حامی مالی، حمید مقدم، رئیس هیئت‌مدیره اجرایی شرکت بزرگ لجستیک و املاک «پرولوژیس»، در اوایل بهمن ۱۴۰۴ به واشینگتن سفر کرد و با مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، و داگ برگم، وزیر کشور، دیدار کرد.

حمید مقدم به رویترز گفت: «می‌خواستم دیدگاه‌های یک ایرانی-آمریکایی را که عمیقاً به دموکراسی و رفاه مردم ایران اهمیت می‌دهد، با آن‌ها در میان بگذارم.»

او گفت در این دیدار از رضا پهلوی به‌عنوان یکی از مسیرهای احتمالی گذار به دموکراسی در ایران نام برده و امیدوار بوده است دولت ترامپ با او وارد تعامل شود. به گفته مقدم، مارکو روبیو به سخنان او گوش داد، اما هیچ قولی نداد.

رضا پهلوی به رویترز گفت که تنها در مدت اخیر جمع‌آوری کمک‌های مالی کلان را آغاز کرده است.

او گفت در گذشته، بخش عمده هزینه‌هایش از کمک‌های خُرد مردمی تأمین می‌شد؛ «بدون آن‌که حتی یک سنت از منابع عمومی یا دولت‌های خارجی دریافت کرده باشم.»

رویترز می‌گوید نتوانسته است به‌طور مستقل همه منابع مالی رضا پهلوی را تأیید کند.

کامرون خوانساری‌نیا، رئیس دفتر رضا پهلوی، گفت این کمک‌های مالی عمدتاً صرف هزینه‌های حفاظت امنیتی، سفرها، حقوق کارکنان، پروژه‌های رسانه‌ای و برنامه‌ریزی برای دوران گذار به حکومت جدید می‌شود.

یکی از حامیان مالی ایرانی-آمریکایی به رویترز گفت تصور عمومی این بود که رضا پهلوی به توصیه‌های کسانی که هزینه فعالیت‌های او را تأمین می‌کنند، توجه بیشتری خواهد کرد.

اما او افزود، با وجود تماس‌های ویدئویی مکرر میان رضا پهلوی و برخی از این فعالان اقتصادی، «در عمل چنین اتفاقی نیفتاد.»

این حامی مالی گفت پس از آن دیگر کمک بیشتری نکرده است. او افزود: «همه ما آدم‌های اهل کسب‌وکار هستیم. انتظار داریم سرمایه‌گذاری‌مان بازده داشته باشد.»

رضا پهلوی در پاسخ به این انتقاد گفت: «قرار نیست مأموریت خودم را بر اساس انتظار یک حامی مالی تغییر بدهم که بگوید من به تو پول می‌دهم، پس باید فلان و بهمان کار را انجام بدهی. این‌گونه نیست.»

اکنون، با شدت گرفتن دوباره جنگ، رضا پهلوی با آزمونی بسیار مهم‌تر از مدیریت نارضایتی حامیان مالی خود روبه‌رو است. او به رویترز گفت از همان ابتدا می‌دانست که آتش‌بس «دوام نخواهد آورد.»

رضا پهلوی پس از اعلام آتش‌بس، «توافقات و مصالحه با یک حکومت جنایتکار» را محکوم کرد. او هفته گذشته نیز به رویترز گفت مردم ایران نباید در «هیچ نوع مذاکره‌ای» به «مهره بازی» تبدیل شوند. او افزود: «مردم برای باز نگه داشتن تنگه هرمز یا رسیدن به یک توافق هسته‌ای کشته نشدند. آن‌ها برای آزادی جان باختند.»

رضا پهلوی دهه‌ها است تأکید می‌کند که برای استقرار دموکراسی، جمهوری اسلامی باید از قدرت کنار برود.

اما حتی با وجود آغاز دوباره درگیری‌ها که تاکنون به کشته شدن دست‌کم چهار نظامی آمریکایی و زخمی شدن شمار دیگری انجامیده است، دولت دونالد ترامپ همچنان به مذاکره با حکومت جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد. و واشینگتن دیگر به خواسته‌ای که برای رضا پهلوی از همه مهم‌تر است، یعنی تغییر رژیم، اشاره نمی‌کند.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

سیاسی

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.